

ابعاد، آثار و پیامدهای حقوقی اشتغال زنان

طاها فتحی^۱

معصومه قهرمانی

چکیده

اهمیت کار زنان از گذشته تا کنون بر کسی پوشیده نیست، آنچه حایز اهمیت است تغییر نوع کار است. زنان در گذشته اغلب در مزارع در کنار مردان خود به فعالیت می پرداختند و به اقتصاد خانواد کمک می کردند بی آنکه آسیب های کنونی آنان را تهدید کند ولی بعد از ورود صنعت و افزایش مشاغل صنعتی، زنان وارد بازارهای کار خارج از منزل شدند و با گستره تر شدن مشاغل و حضور مستمر در شغل انتخابی آسیب های زیادی در خلل نبودن آنان در منزل، زنان، سایر اعضای خانواده و همچنین افراد جامعه را تهدید می کند. با افزایش آگاهی های اجتماعی و میل روز افزون زنان برای ورود به بازار کار و عرصه های اجتماعی، میزان نارضایتی عمومی آنان از جایگاه و نقش های زنانه نیز بیشتر شده است. ارزش رسالت های اساسی زنان هر روز کمرنگ تر می شود. پیامد این موضوع هم گریبانگیر خود فرد در قالب واکنش های چون ناراحتی های روحی و افسردگی، مواجه شدن با چند وظیفه و احساس سردرگمی و... می باشد و هم گریبانگیر جامعه در قالب بسیاری از ناهنجاری ها که ریشه در این موضوع دارد.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، آسیب های فرهنگی، زنان شاغل، استخدام زنان، حقوق زنان

بخش اول: کلیات

الف) مفهوم لغوی اشتغال

اشتغال. [اِت] (ع مص) به کاری پرداختن. (منتهی الارب) (آندراج). مشغول شدن. (تاج المصادر) (زوزنی) (موید الفضلا). به کاری درشدن^۱

۱- مشغول شدن به کاری. ۲. (اسم) شغل.^۲

اشتغال واژه‌ی عربی به معنای "به کاری مشغول شدن" است که بر وزن افتعال می‌باشد و آن مطاوعه باب تفعیل است و "اشتغال بكذا" به معنای تشغل یعنی به کاری مشغول شدن می‌باشد و ریشه آن شغل است. در فرهنگ فارسی عمید ذیل اشتغال آمده است: مص. [ع] مشغول شدن، به کاری پرداختن، سرگرم شدن به کاری^۳ واژه‌ی شغل، در فرهنگ فارسی به معنای کار و پیشه^۴ تعریف شده است. کلمه‌ی کار که در بعضی موارد به جای شغل به کار می‌رود در معنای پیشه و عمل^۵ و یا "هر چیزی که از شخص یا شی صادر می‌شود و آنچه که انجام شود" گفته می‌شود.

ب: مفهوم اصطلاحی اشتغال

اشتغال به فعالیتی اطلاق می‌شود که به منظور تهیه و تولید کالا و خدمات اقتصادی انجام می‌شود؛ در حالی که کار معنایی عام دارد و هر فعالیتی را در برمی‌گیرد، در همین راستا کار می‌تواند به عنوان انجام وظایفی تعریف شود که متضمن صرف کوشش‌های فکری و جسمی بوده و هدفشان تولید کالاها و خدماتی است که نیازهای انسانی را برآورده می‌سازد. شغل یا پیشه کاری است که در همه فرهنگ‌ها نظام اقتصادی یا اقتصاد است که شامل نهادهایی است که با

^۱. لغت نامه دهخدا

^۲. فرهنگ معین

^۳. فرهنگ عمید، ذیل اشتغال

^۴. همان ذیل "شغل"

^۵. همان ذیل "کار"

^۶. فرهنگ معین، ذیل "کار"

تولید و توزیع کالاها و خدمات سروکار دارند. کار یکی از عوامل عمده تولید و مشکل است از اعمال قوه فکری یا دستی که در برابر آن مزد، حقوق، معاش یا حق الزحمه کسب و کار گرفته می شود. در گفتگوی روزانه این اصطلاح بیشتر به معنای محدودتر یعنی کارهای دستی یا به طور کلی کارهای کارگران دستی به کار می رود. در نظریه اقتصادی، کوشش انسانی، فعالیتی است که در جهت تولید هدایت می شود. به عنوان یک عامل تولید کار از مواد اولیه، سرمایه و مدیریت جدا می شود و فقط شامل مساعی کارگران در اشتغال است. به معنای دیگر کار، کلیه ی افرادی را در برمی گیرد که برای زیستن کار می کنند. این تعریف به نیروی کار یک ملت بر می گردد که شامل کلیه جمعیت قابل اشتغال و بالای یک سن معین است. کار یکی از عوامل تولید که دربرگیرنده تمامی فعالیت های اقتصادی انسان اعم از فکری، یدی، تخصصی و غیر تخصصی برای تولید ثروت می شود. اشتغال به کار معمولاً وضعیتی است که توسط مراجع و مراکز آماری و اقتصادی هر کشور با ذکر ویژگی های معین تعریف می شود. مثلاً مرکز آمار ایران شاغل را چنین تعریف کرده: کلیه جمعیت ده ساله و بیشتر که در هفت روز پیش از مراجعه مامور سرشماری به کاری اشتغال داشته اند... و در این مدت به طور متوسط روزی هشت ساعت یا بیشتر کار کرده اند؛ شاغل محسوب می شوند.^۴

بخش دوم: اشتغال زنان در انقلاب صنعتی

با ظهور رنسانس و حاکمیت کلیسا، تعریف جدیدی از حضور زن در زمینه ی سیاسی و فرهنگی شکل گرفت. تفریط بیش از حد و سخت گیری در حق زنان و نادیده گرفتن حقوق آنان در قرون وسطا، سبب گرایش افراطی درباره ی حقوق زنان شد. جسارت عقلی، گستاخی اخلاقی در زمینه ی بی توجهی افراطی به موازین اخلاقی و دینی را اشاعه داد. تحصیل در این دوران برای زنان در چارچوب ادبیات، فلسفه، مجسمه سازی، نواختن موسیقی و آشنایی با شخصیت های

^۱. آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، منوچهر صبوری، (تهران: نشر نی، ۱۳۷۶)، ص ۵۱۷

^۲. منوچهر فرهنگ، فرهنگ علوم اقتصادی، (تهران، آزاده، ۱۳۶۶)، ص ۶۵۲

^۳. سیاوش مریدی، علیرضا نوروزی، فرهنگ اقتصادی، (تهران: نگاه، ۱۳۷۳)، ص ۵۷۴

^۴. همان، ص ۵۲

^۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، ج ۱، ص ۶۱۴-۶۱۵

برجسته‌ی تاریخی رم و یونان شایع شد.^۱ حضور اقتصادی زنان کم‌رنگ و به فعالیت در کارگاه‌های نساجی محدود شد. با ظهور انقلاب صنعتی، تحولات چشم گیری در حوزه‌ی اقتصادی زنان روی داد و وضعیت تحقیرآمیز و برده‌وار زنان در غرب را دچار تغییرات اساسی نمود که اصلی‌ترین علل این تغییرات عبارت‌اند از:

۱- انتقال تدریجی صنعت از خانه به کارخانه طی قرن ۱۸ (۱۷۳۰-۱۸۳۰) و تفکیک عرصه‌ی عمومی و خصوصی

۲- ایجاد ساختارهای هماهنگ با گفتمان تجددگرایانه در عرصه‌ی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

۳- دگرگونی مرحله‌ای صنعتی طی قرون ۱۸ و ۱۹، از جمله تحول در صنایع بخار، الکتریسته، نفت، الکترونیک و انرژی اتمی، که در مقایسه با میزان تغییر اقتصادی در اروپای پیش از کریستف کلمب انقلابی واقعی به شمار می‌آمد نه تنها کشاورزی، ترابری، ارتباطات و صنعت، بلکه سیاست، آداب و اخلاق، فلسفه و هنر را نیز از بنیان دستخوش دگرگونی ساخت.^۲

پشتیبانی اقتصاد از انقلاب صنعتی با تمرکز کار و سرمایه در تولید صورت گرفت. در واقع در این زمان، کار که مفهومی عام نزد زن و مرد در سیستم کشاورزی داشت، به مفهوم اشتغال تبدیل شد. با گسترش کارخانه‌ها و رشد سرمایه‌داری، رابطه‌ی کارگر با کار تغییر کرد و کارگر حق تعیین ساعات و شرایط کار خود را از دست داد و سهم او در تعیین میزان درآمد، یا کیفیت محصول بسیار کاهش یافت. هم‌زمان با انقلاب صنعتی، زنان که تا پیش از این به دلیل تفاوت‌های فیزیولوژیک و زیست‌شناختی و قدرت بدنی کمتر، در فعالیت‌های یدی پایین‌تر به کار گرفته می‌شدند، با ورود ماشین به صحنه‌ی تولید وضعیتی تقریباً برابر با مردان یافتند. این روند در اواخر قرن ۱۹ توجه سرمایه‌داران و صنایع را به نیروی کار زنان و به شمار آوردن آنان در معادلات

^۱ همان، ص ۲۰۶

^۲ ویل دورانت، تاریخ تمدن، جلد ۹، (عصر ولتر)، ترجمه‌ی سهیل آذری، ص ۵۳

اقتصادی جلب کرد. از دیگر دلایل استفاده از زنان از سوی کارفرمایان، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- امکان پرداخت دستمزد کمتر به دلیل عدم آموزش و نبود سرمایه ی انسانی لازم
- ۲- استفاده از زنان برای کارهای موقت و فصلی که نیازمند مهارت و تخصص خاصی نبود
- ۳- استفاده از زنان در وضعیت های اضطراری همچون جنگ به جای مردان کارگر
- ۴- استفاده ی سیاسی از زنان برای ایجاد شکاف بین سندیکاها ی کارگری و عدم اجازه ی ورود به آنان در این سندیکاها
- ۵- به کارگیری نیروی عظیم کار زن در بخش هایی که مردان، کار در آن بخش ها را در شأن خود نمی دیدند.

بخش سوم: اشتغال زنان در عصر مدرن

از اوایل قرن بیستم، فراخوان اشتغال زنان به دلیل رواج فرهنگ مصرف گرایی و افزایش تورم، که نیاز به تولید را بیشتر می کرد^۱ و نیز مطرح شدن ایده ی آموزش دولتی، رونق گرفت. به دلیل نظریات نظام سرمایه داری مبنی بر تولید ثروت بیشتر، عنصر جنسیت رفته رفته کم رنگ و در مقابل، شعار برابری به معنای برابری در آموزش، فرصت ها و منابع، حقوق و کنترل و نظارت پررنگ تر شد. مداخلات دولتی در امر آموزش و فراخوان زنان به اشتغال در میان دول سوسیالیستی با اهتمام دنبال می شد که در این میان، برخی سیاست ها در جهت تضعیف جایگاه زن در خانواده بود. سیاست مداران این گونه به زنان القا می کردند که ماندن در خانه خیانت به دولت است. در دهه های اخیر، نظام آموزشی مدرن، نقش تعیین کننده ای در کم رنگ شدن ارزش های خانوادگی و تمایل به اشتغال در میان زنان داشته است که می توان یکی از فلسفه های اصلی نظام آموزشی را آمادگی برای احراز مشاغل دانست. از این روست که دختران دارای تحصیلات عالی در صورت نبود زمینه ی اشتغال، دچار بحران هویت خواهند شد. از سوی دیگر،

^۱. امیلیا نرسیسیان، مردم شناس جنسیت، ترجمه ی بهمن نگین زاده چگینی، چ ۲، (تهران، افکار، ۱۳۹۰)، ص ۵۶

جریان فمینیسم با استفاده از قدرت رسانه، زنان را به استقلال مالی از همسران و دستیابی به مناصب اقتصادی و اجتماعی و رها کردن نقش های خانگی تشویق می کند. این جریان چنان تأثیری بر ذهنیت زنان امروزی گذاشته اند که بسیاری از زنان شاغل کشورهای اروپایی اظهار کرده اند که حتی بدون نیاز مالی نیز به کار کردن ادامه می دهند و حتی تصور از دست دادن کارشان و تحمل فضای تنگ خانه را ندارند. در تعاریف جدید توسعه، دستیابی به توسعه پایدار نه تنها بدون افزایش دائم و سریع سهم زنان در عرصه های اقتصادی ممکن نیست، بلکه در این مسیر، باید به چیزی فراتر از برابری فرصت ها و تسهیل در موقعیت های ویژه برای زنان اندیشید. از این رو، در برنامه های بلندمدت دولت ها سهم ویژه ای برای زنان در نظر گرفته شده است. با ظهور رنسانس و حاکمیت کلیسا، تعریف جدیدی از حضور زن در زمینه های سیاسی و فرهنگی شکل گرفت. تفریط بیش از حد و سخت گیری در حق زنان و نادیده گرفتن حقوق آنان در قرون وسطا، سبب گرایش افراطی درباره ی حقوق زنان شد. جسارت عقلی، گستاخی اخلاقی در زمینه ی بی توجهی افراطی به موازین اخلاقی و دینی را اشاعه داد.

بخش چهارم: بررسی و شناخت پیامدها و آثار حقوقی و اجتماعی اشتغال زنان

بند اول: پیامدهای مثبت

الف: پیامدهای فردی

۱- احساس رضایتمندی و افزایش اعتماد به نفس: در جامعه مدرن، خانه پیوسته در حال تنگ تر شدن است؛ هم از نظر جغرافیایی با کوچک شدن خانه ها، هم از نظر ارتباطی با محدود شدن ارتباطات طایفه ای و محلی، و هم از نظر ارزشی با تحقیر خانه داری و خانه نشینی. بنابراین ورود به فضای اجتماعی و عرصه اشتغال، حتی هنگامی که وظایف کاری نسبتاً کسل کننده باشد، می تواند نیاز زن به ورود به عرصه های اجتماعی وسیع تر و کسب تجربه های نو را به همراه داشته باشد، نیاز به برقراری ارتباط با دیگران را تامین کند و او را از فضای خانه آزاد

سازد، و به همین دلیل برای زنان لذت بخش است. از سوی دیگر، ارزش گذاری هایی که در فرهنگ مدرن درباره استقلال مالی و اشتغال صورت می گیرد، رقابت برای کسب موقعیت های شغلی را به مثابه یک ارزش جلوه گر می سازد و افرادی که در این مسابقه موفق به احراز مشاغل می شوند احساس پیروزی می کنند. به گفته استوارت ازکمپ، هر چه شخصی چیزی را بیشتر بخواهد و هر قدر چیزی برای او مهم تر باشد، پس از به دست آوردن آن خشنود تر خواهد شد و در فرض عدم دسترسی به آن بیشتر احساس ناکامی می کند. افزایش مهارت های اجتماعی، موفقیت در برقراری ارتباط با مردم، کسب درآمد و استقلال مالی، احساس توانمندی و... باعث تقویت و افزایش اعتماد به نفس در زنان شاغل می شود و اعتماد به نفس بالا و خود باوری نیز زمینه های موفقیت بیشتر را برای فرد فراهم می کند. اشتغال زنان، باعث افزایش شناخت نسبت به خود می شود که یکی از پایه های عمده ی سلامت روان است و منابع گوناگونی برای احساس رضایت در خود و دریافت پاداش را ایجاد می کند. زنان شاغل امکان انجام فعالیت های مقبول و ارزشمند اجتماعی را که سبب افزایش عزت نفس است را پیدا می کنند.^۳

۲- استقلال مالی: از بدیهی ترین پیامدهای اشتغال استقلال مالی است. در بسیاری از موارد زنان تنها به علت نیاز مالی که به همسر خود دارند با شرایط سخت زندگی، تن به خواسته های نامعقول همسر خود می دهند و از بسیاری از حق و حقوق طبیعی خود صرف نظر می کنند. معمولاً مردان به علت قدرت اقتصادی که در خانواده دارند محور تصمیم گیری های مالی و به تبع آن سایر جنبه های زندگی هستند. زنان با داشتن شغل و کسب درآمد علاوه بر اینکه می توانند در بسیاری از موارد به خواسته ها و آرزوهای خود جامعه عمل بپوشند می توانند بدون نیاز به اجازه در هر زمینه ای که تمایل دارند درآمد خود را به مصرف برسانند؛ همچنین از آن جایی که این درآمد در بسیاری از موارد در کمک اقتصاد خانواده قرار می گیرد زن خانواده به تبع سهم شدن در درآمد زایی، در تصمیم گیری ها نیز مشارکت خواهد داشت. استقلال مالی نه تنها برای حال، بلکه در دراز مدت نیز برای پس انداز در آینده و استفاده در دوران کهولت و

۱. ر.ک: آنتونی گیدنز، ص ۵۴۲

۲. استوارت ازکمپ، روان شناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه ی فرهاد ماهر، (مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹)، ص ۲۶۰

۳. ر.ک: باقرساروخانی، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، (تهران، سروش، ۱۳۸۱)

سالمندی نیز مثر مثر خواهد بود، و استرس ناشی از حوادثی چون تنهایی، مرگ همسر، طلاق و... را کاهش داده و از وابستگی افراطی زنان به همسرانشان جلوگیری خواهد نمود.

ب: پیامدهای خانوادگی

۱- **کمک به اقتصاد خانواده:** بدیهی است که با اشتغال و درآمدزایی خانم و انتقال آن به خانه، به مرور زمان از مشکلات مالی خانواده کاسته و بر رفاه آن افزوده می‌شود. در بسیاری از کشورها زنان بیشترین فعالیت‌های بخش کشاورزی را بر عهده دارند و درآمد خانواده به فعالیت آنان بستگی کامل دارد.^۱

۲- **رسیدن سریعتر فرزندان به استقلال در انجام کارهای شخصی و نیز کمک و همکاری اعضای خانواده در فعالیت‌های مربوط به منزل:** به نظر برخی از پژوهش‌گران فرزندانی که پدر و مادرشان هر دو شاغلند، در مقایسه با فرزندان خانواده‌های سنتی، نسبتاً مستقل‌تر و کاردان‌تر هستند. دلیل این امر هم کاملاً روشن است؛ عدم حضور پدر و مادر در اکثر اوقات روز در منزل، باعث می‌شود بچه‌ها سریع‌تر و بهتر یاد بگیرند که روی پای خود بایستند. البته این امر به عواملی چون کیفیت رابطه کودک و والدین، کیفیت مراقبت از کودک و رضایت شخصی و زناشویی پدر و مادر بستگی دارد. اشتغال زن و شوهر اگر با مراقبت و حساسیت صورت پذیرد، می‌تواند زندگی کل خانواده را غنی سازد.

ج: پیامدهای اجتماعی

۱- **کمک به استقلال ملی:** با کار کردن هر دو جنس در جایگاه مناسب خود، تولیدات افزایش و نیاز به مصرف‌گرایی کاهش می‌یابد در نتیجه کشور از وابستگی به کشورهای بیگانه خارج و خود به استقلال میرسد.

^۱ پاملا ابوت و کلر والاس، ص ۱۲۶

^۲ اقتباس از گیدنز، صص ۵۷۵-۵۸۰.

۲- کمک به اهداف دینی: برخی مشاغل به خاطر مصالح دینی مختص زنان است؛ از جمله آرایشگری زنان، پزشکی زنان و زایمان و ... که با شاغل بودن خانم ها این هدف تحقق می یابد.

بند دوم: پیامدهای منفی

الف: پیامد فردی

۱- تحول هویتی: زنان شاغل هم زمان در دو گروه شغلی و خانوادگی فعالیت می کنند و در هر گروه با انتظارات متفاوتی روبرو هستند. این انتظارات در چگونگی شناخت فرد از خود و هویت او موثر است. بنابراین، اگر هر گروه انتظارات متفاوت و ناسازگاری از فرد داشته باشد و او نقش های خود را در تضاد و تعارض با هم بداند، این تعارض و انتظارات متفاوت، و در نتیجه شناخت های متفاوت از خود موجب بحران هویت در وی می گردد. نمونه بارز بحران هویت در کشور ما ایران کاملاً مشهود است. جامعه و فرهنگ موجود، از زنان خواستار ایفای نقش های سنتی و اکتسابی یعنی مادری و همسری است و در مقابل روند زندگی که در جهت توسعه یافتگی و مدرنیته در حرکت است نقش های انتسابی جدیدی را به زنان تحمیل می کند. تغییر در سطح نقش های اجتماعی از گذشته به حال با سرعت به وقوع می پیوندد ولی در مقابل در سطح ساختار ذهنی این تحول با کندی صورت می گیرد که منجر به تعارض نقش و نهایتاً بروز بحران هویت در زنان شاغل می گردد.

۲- مسولیت و فشار مضاعف: خانه داری به طور کلی مسولیتی است که به دوش زنان است. اگرچه در برخی خانواده ها مردان نیز این مسولیت را به عهده می گیرند یا خانه داری به عهده ی افرادی خارج از خانه با صرف هزینه صورت می گیرد، ولی اکثر زنان خانه داری را مسولیت خود می دانند. خانه داری در زمره فعالیت های سخت و دشوار است، اما تفاوت آن با مشاغل رسمی این است که در خانه فشار برای انجام کار وجود دارد ولی سرعت کار بنابر میل شخصی تنظیم می شود. این ویژگی کار خانگی با روحیات زنانه هم خوانی تام دارد. به تعبیر تونی گرنر خودآگاهی زنانه ماهیتاً ماریجی است؛ به همان اندازه از نتیجه حرکت لذت می برد که از فرآیند

آن؛ وقت را با تانی سپری می کند و به زندگی اجازه می دهد تا اتفاق بیافتد. اما تقاضای بازار کار با تقاضای خانه بسیار متفاوت است.^۱

۳- آسیب های جسمی و روحی: با توجه به این که زنان از نظر فیزیولوژیک توانایی کم تری دارند، و این که مسئولیت و رنج و زحمات طاقت فرسای تولید نسل از لحاظ طبیعت به عهده زن گذاشته شده است و زن باید بیماری ماهانه را در ایام کودکی و پیری که از تبعات تولید نسل است تحمل کند، سنگینی دوره بارداری و بیماری مخصوص این دوره را به عهده بگیرد، سختی زایمان و عوارض آن را تحمل نماید، کودک را شیر بدهد و پرستاری کند؛ این ها همه از نیروی بدنی و عضلانی زن می کاهد و توانایی او را در کار و کسب کاهش می دهد.^۳ از این رو زنان شاغل به علت قبول مسئولیت مضاعف اجتماعی و خانوادگی، همواره در معرض انواع تنش های روحی و آسیب های جسمی هستند.^۴

۴- افزایش استرس: مشارکت زنان در نیروی کار موجب افزایش میزان استرس در میان آن ها گشته است، زنانی که بیرون از خانه کار می کنند به ناچار با استرس های ناشی از نقش حرفه ای خویش نیز سر و کار دارند. از جمله پیامدهای استرس شغلی که می توان به آن اشاره نمود: اضطراب، تنش، درهم شدگی و برآشفتگی، گوشه گیری و افسردگی و خستگی روانی و افزایش ضربان قلب و فشار خون خستگی جسمانی، بیماری های قلبی و عروقی و...هم چنین کاهش عملکرد، پرخاشگری و اختلال در روابط با خانواده و دوستان است.^۵

^۱. تونی گرنت، زن بودن، ترجمه ی فروزان گنجی زاده، (تهران، نشر ورجاوند، ۱۳۸۱)، ص ۸۹؛ همچنین، ر.ک: رویا منجم، زن- مادر، (تهران، نشر مس، ۱۳۸۲)، صص ۷۷-۷۸

^۲. زلیخا سلطان محمدی، مقاله نقد و بررسی اشتغال زنان، نشریه کتاب ماه (علوم اجتماعی)، خرداد ۸۰، ص ۱۰۷

^۳. احمد مطهری، رابطه اقتصاد خانوادگی، (تهران، انتشارات چاپ خیام)، ص ۱۴۰

^۴. بینا، بررسی وضعیت اشتغال زنان در ایران، نشریه قدس، ۱۴ و ۲۱ و ۷۸/۴/۲۸.

^۵. محمد حاتمی، استرس مادران شاغل، (تهران، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۸۲)، ص ۶۹-۷۰

^۶. همان ص ۷۱

۵- ابتلا به بیماری های ناشی از کار: بیماری های ناشی از کار به علت اشتغال به یک کار و تحت شرایط موجود در آن به وجود می آیند. بیماری های زیان آور شامل: عوامل فیزیکی مثل سر و صدا و ارتعاش که باعث کاهش شنوایی، عوامل زیان آور شیمیایی باعث بیماری های انقباض عروقی تروماتیک، مسمومیت ها، سرطان ها، آلرژی ها و آسیب های دستگاه عصبی، عوامل ارگونومیک باعث استرس ذهنی، آسیب های کششی و کاهش بهره وری و کیفیت کار، و عوامل خطر مکانیکی باعث حوادث و آسیب های ناشی از کار می شود. از این رو با توجه به توانایی ها و سیستم بدنی و فیزیولوژیکی زنان که دارای لطافت های خاص خویش است حضور در برخی از مشاغل که منجر به این بیماری ها می گردد، عوارض ناگواری بر جسم و روح زن وارد می آورد که گاه جبران ناپذیر است.

۶- تاثیر در بارداری: بارداری یک فرآیند طبیعی و در عین حال مهم و سرنوشت ساز است. بهداشت روانی این دوره از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بارداری باید زمان و دوره ای سالم و شاد برای مادر باشد و به دور از هر گونه استرس و نگرانی و آسیب های جسمی و رسیدگی کامل نیازمند است. امروزه تحقیقات نشان می دهد که وضعیت روانی زن در دوران بارداری بر رشد جنین تأثیر به سزایی می گذارد مادر تندرست، شاداب، با تحرک و نیرومند بی شک فرزندی با همین ویژگی ها را می پروراند. و اضطراب ها، ناراحتی ها، ترس ها، نگرانی ها، هیجانات شدید، منظره های حزن انگیز، غم و اندوه ها، نیز همگی می تواند به طور غیر مستقیم در روان و بلکه جسم کودک اثر نامطلوبی داشته باشد. لذا بر مادران واجب است که آگاهانه مراقبت های لازم را انجام دهند. عوامل بیولوژیکی، روانی و اجتماعی که زنان شاغل در محیط های مختلف شغلی خود با آن روبه رو هستند موجب می شود تا زنان با خطر ها، بحران ها و

۱. ماشاء الله عقیلی نژاد و مسعود مصطفایی، طب کار و بیماری های شغلی، ج ۱، (تهران، انتشارات ارجمند، ۱۳۹۳)، ص ۵

۲. تروماتیک: ضربه.

۳. عوامل ارگونومیک: عوامل جسمی.

۴. ماشاء الله عقیلی نژاد و مسعود مصطفایی، ص ۷

۵. تالیف استادان طرح جامع آموزش خانواده، خانواده و فرزندان در دوره پیش دبستان، (تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۶)،

۶. اصغر بهمنی، دانستنی هایی برای مادران، (قم، سعید نوین، ۱۳۸۶)، ص ۴۵

مشکلات مختلفی مواجه شوند. در دوره بارداری از این جهت که اثرات نامطلوب این عوامل می تواند سلامت مادر و جنین هر دو را به خطر بیندازد، مراقبت های بیش تری نیاز است. این مراقبت ها در دو زمینه ی مهم جسمانی و روانی است. در بعد جسمانی تأمین تن درستی زن و کودک، بارداری کامل و بهبود سریع پس از یک زایمان طبیعی مورد نظر است و در بعد روانی شرایط مطلوب زندگی که آرامش و آسودگی خاطر زن، باید حداقل تنش و اضطراب را به همراه داشته باشد، توصیه می شود. اما این امور برای یک زن باردار که شاغل می شود به سختی فراهم می گردد و وی همواره با استرس و نگرانی دست و پنجه نرم می کند و همواره با مخاطراتی همراه است که خود و جنینش را مورد تهدید قرار می دهد و ممکن است این امر اثرات نامطلوبی بر جنین بگذارد. یک زن باردار باید در محیطی امن که کم ترین تنش ها و استرس ها را به هم راه دارد و محیطی که کم ترین عوارض را بر جنین و مادر وارد می کند دوران بارداری را سپری کند. اما یک زن شاغل کم تر می تواند چنین محیطی را برای خود و جنینش فراهم و مهیا سازد. چنان که زنان شاغل در بیمارستان ها، آزمایش گاه ها، رادیولوژی ها و ... با انواع مواد شیمیایی، بیهوشی رادیولوژی و پرتوها و اشعه های خطرناک سر و کار دارند. ضمن این که یک زن باردار در طول حاملگی خود به طور معمول دچار کمر دردهایی می شود که این امر در صورت شاغل بودن او دو چندان می گردد، بنابراین برای حفظ سلامتی جنین و مادر و جلوگیری از سقط جنین، محیط شغلی، محل مناسبی برای گذران دوران بارداری نیست و خطرات و عوارض بسیاری در پی خواهد داشت.

۷- تاخیر در ازدواج: پدیده هایی نظیر تاخیر در سن ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج، بالا رفتن نرخ مجرد قطعی، کاهش تعداد فرزندان و ... از مهم ترین آثار ناشی از خروج زنان از خانه و اشتغال به کار آن ها در اجتماع است. هم چنان که به نظر می رسد این تحولات کند و ببطی اما در حال وقوع است. بر اساس آمارهای موجود و تحت شرایط اقتصادی - اجتماعی جدید میانگین سن ازدواج یا میانگین سن اولین ازدواج در بسیاری از جوامع صنعتی رو به افزایش است. نیاز های اقتصادی تا حد زیادی به عنوان انگیزه ی ازدواج و تشکیل خانواده به حساب می

آید. برخی از خانم ها که دارای شغل هایی هستند که از نظر عاطفی و مالی ارضا کننده است، از انگیزه کمتری برای ازدواج برخوردارند چنان که نیاز مالی و نداشتن درآمد کافی، یکی از عوامل تأخیر ازدواج پسران است، در دختران و زنان نیز استقلال اقتصادی و درآمد مادی، می تواند یکی از موانع ازدواج باشد؛ چرا که تا مدتی کار و منافع ناشی از آن چنان فرد را درگیر و سرمست خودش می کند که نیازی به ازدواج و زیر بار امر و نهی همسر و مسئولیت زندگی رفتن احساس نمی کند و ما روز به روز شاهد افزایش سن ازدواج در زنان شاغل هستیم.^۲

ب: پیامدهای خانوادگی

۱-دوری از خانواده: برای بسیاری از افراد محل کار جایگزین خانه یعنی بهشت امن، مرکز معنا و مفهوم زندگی و منبع ارزشمندی خود می گردد در حالی که پیش از این تصور می شد که کار وسیله ای برای دستیابی به پول برای حفظ امنیت خانه است، اما با گذشت زمان و بروز برخی مشکلات خانوادگی و نیز مدیریت غلط منابع مالی و در پی آن صرف زمان بیشتر برای کار، به تدریج فرد احساس آرامش و امنیت بیشتری در محیط کار می کند؛ به خصوص اگر محیط کار به گونه ای باشد که رابطه ای صمیمانه بین همکاران شکل گیرد و با هم شوخی و مزاح نموده، به پیامک بازی، بلوتوس بازی و امثال آن پردازند. ضمن این که گاهی بنا به اقتضای برخی از کارها، فرد از سوی همکاران یا مراجعان مورد احترام و گاه ستایش قرار گرفته و به نوعی احساس غرور و ارزشمندی می کند. این در حالی است که همان شخص ممکن است درون منزل، از سوی همسر یا فرزندان مورد بی مهری و گاه بی حرمتی واقع شود. طبیعی است چنین شخصی سعی خواهد نمود وقت بیشتری را برای کار صرف کند و از این طریق نیاز به احترام و ارزشمندی خود را ارضا کند.

۲-تغییر در ارزش ها و اولویّت ها: آنجا که کاری که درآمد کافی داشته باشد زمان بیشتری را می طلبد، اغلب بر زمان زندگی خانوادگی غلبه دارد و باعث می شود به مرور زمان ارزش ها و انتظارهای فرد، تفکر و تصمیم گیری های او را تحت تأثیر قرار دهد. در

^۱. محمد تقی شیخی، جامعه شناسی زنان و خانواده، (تهران، انتشارات شرکت سهامی، ۱۳۸۰)، ص ۱۰۴

^۲. کاظم علی محمدی، مجموعه مقالات همایش جنسیت و خانواده، آسیب شناسی اشتغال زنان از نگاه اسلام و روان شناسی، (قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۹۰)

مواردی مادر ممکن است فکر کند: اگر بتوانم کسی را پیدا کنم که از فرزندم بهتر از من مراقبت کند، آن وقت می توانم توجه بیشتری به اولویت واقعی زندگی ام که کار است معطوف کنم.^۱

۳- سست شدن کانون خانواده: پژوهشگران با ملاحظه تفاوت های روانی زن و مرد دریافته اند که رعایت احترام مرد در جایگاه سرپرست خانواده، به تقویت روحیه اعتماد به نفس و انگیزه حمایت از خانواده می انجامد. از نگاه پارسونز، جامعه شناس مشهور آمریکایی نیز خانواده پاره نظامی از نظام کل (جامعه) است که بر مبنای تفکیک نقش های جنسی بنا می شود. تخصص و تفکیک نقش ها به حفظ نظام خانوادگی و وحدت آن کمک می کند و مبنای اجتماعی کردن کودک است. مرد، رئیس خانواده است و نقش نان آوری را بر عهده دارد، و زن نقش کدبانوی خانه را ایفا می کند. نقش اقتصادی مرد و شغل وی تعیین کننده ترین پایگاه حقوقی خانواده و نقش اصلی مرد در جامعه، و خانه داری و بچه داری اساسی ترین فعالیت ها، و نقش زن است، و زن مدار زندگی خانوادگی است. از نظر وی، تفکیک جنسیتی نقش ها در شکل گرفتن شخصیت کودک نقش بی بدیل دارد. پسر، خود را با پدر همانند می سازد و دختر به مادر تاسی می جوید. اشتغال زن افزون بر آنکه موقعیت عاطفی وی را در خانواده متزل می سازد، به سبب رقابت شغلی زن با شوهر به ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می انجامد.^۲

۴- اشکال در ایفای نقش های خود در منزل: بدیهی است که زنان شاغل نتوانند آن طور که شایسته است وظایف خانه داری و مسئولیت های خود را به عنوان همسر و مادر انجام دهند. بسیاری از اختلاف های زناشویی نیز از همین امر ناشی می شود، خصوصاً جایی که مردان، خود را موظف به کمک در کارهای منزل نمی دانند. طبق آمار به دست آمده مردان تنها ۱۵-

^۱ جان کارلسون و دیگران خانواده درمانی، تضمین درمان کار آمد، ترجمه شکوه نوایی نژاد، (تهران، سازمان انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸)، ص ۵۹

^۲ تونی گرنر، ص ۷۱، ۷۸

^۳ جورج ریترز، ص ۴۶۶؛ آندره میشل، جامعه شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه ی فرنگیس اردلان، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴) ص ۷۴؛ شهلا اعزازی، جامعه شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، (تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶)، ص ۱۲۰

۱۰ درصد از کارهای خانه را انجام می دهند.^۱ مطالعات نشان می دهند که زنان متأهلی که بیرون از خانه شاغلند، کمتر از سایر زنان کارهای خانه داری را انجام می دهند، اگرچه مسئولیت اصلی مراقبت و رسیدگی به خانه تقریباً همیشه بر عهده آنهاست.^۲

گرین هاوس سه نوع تعارض را میان کار و خانواده مطرح می کند:

۱- تعارض مبتنی بر زمان: یعنی این که چگونه زمان اختصاص یافته به یک نقش باعث کاهش توجه به نقش دیگر می شود، مانند زمانی که ملاقات ها و جلسات اداری با برنامه میهمانی خانوادگی در تعارض باشد.

۲- تعارض مبتنی بر فشار روانی: عبارت است از سرایت نشانه های تنیدگی مانند خستگی و تحریک پذیری از یک نقش به نقش دیگر. ما در اینجا با انواع گوناگون فشارهای روانی درگیر هستیم، مثل انتظارها و توقع های شغلی در مقابل انتظارهای شخصی و خانوادگی، رقابت بین زن و شوهر، تقسیم کار، مراقبت از فرزندان، تخصیص زمان، مسافرت ها و مهاجرت های شغلی، شبکه های اجتماعی و حفظ هویت.

۳- تعارض مبتنی بر رفتار: این تعارض عبارت است از ناهماهنگی رفتار در یک نقش با رفتار مورد انتظار در نقش دیگر، مانند زمانی که از کارمند در محیط کار، عینی بودن و غیر عاطفی عمل کردن و در خانواده گرمی، عاطفی بودن و نقش پرورشی مورد انتظار است. گرین هاوس و همکارانش (۱۹۸۹) دریافتند که زنان سطوح بالایی از تعارض کار و خانواده را هنگامی که به شدت درگیر کار خود هستند، تجربه می کنند.^۴

^۱. پژوهشیکلز و متسن (NickolsandMetzen,1982) نشان داد که اشتغال زنان تأثیر اندکی بر مشارکت مردان در انجام دادن کارهای خانه دارد. ویلاک (Wheelock,1990) پی برد که حتی هنگامی که شوهر بی کار و زن شاغل است باز هم زنان بار مسئولیت کارهای خانه را به دوش دارند (برناردز، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹ و ۱۴۰). طبق آمار به دست آمده مردان تنها ۱۰-۱۵ درصد از کارهای خانه را انجام می دهند (فرشته ندیری ایبانه، ص ۱۰۷)

^۲. گیدنز، ص ۵۷۳.

^۳. جان کارلسون و دیگران، ص ۵۶-۵۷.

^۴. همان

۵- اشتغال و درگیری ذهنی در مورد مسائل کاری: در پی آن، مصرف شدن انرژی روانی شخص بیرون از منزل و کوتاهی نسبت به وظایف خانه، بعضی از آقایان از همسران شاغل خود شاکی هستند که گاهی همسرانشان نمی‌توانند خود را از مشغله ذهنی کار خود رها کنند و پیوسته در مورد مسایلی صحبت می‌کنند که در سر کار اتفاق افتاده و یا نگران کارهایی هستند که فردا باید انجام دهند. گویا جسمشان در منزل هست ولی روح و فکرشان درگیر مسایل کاری است.

۶- ارضای نیازهای کلامی و عاطفی در محیط کار: برخی از خانم‌های شاغل در محیط کار به اندازه کافی با همکاران و مراجعان صحبت کرده و نیازهای کلامی و عاطفی خود را از این راه ارضا می‌کنند، برای همین ممکن است در منزل نیاز و انگیزه کافی برای برقراری رابطه کلامی با اعضای خانواده نداشته باشند. همچنین به هم خوردن ساعات فعالیت‌های خانگی و انتقال بخشی از این فعالیت‌ها به ساعات پایانی شب نیز می‌تواند هم زمانی ورود به استراحت گاه را که با دقتی هم صحبتی همراه است، کاهش دهد. ارتباط کلامی میان زوج از عوامل استوار سازی روابط زناشویی است. این کاستی، می‌تواند به شکل مشکلات عاطفی و رفتاری، دوستی‌های افراطی و ناسالم در فرزندان بروز کند. در مورد همسر نیز ممکن است موجب بدخلقی و برقراری روابط عاطفی و کلامی ناسالم با زنان دیگر گردد تا بدین وسیله نیاز خود را که از طریق همسر در خانه تامین نمی‌شود احیا کند.

۷- انتقال خستگی ناشی از شغل به خانه و عدم آمادگی جسمانی و روانی برای برآوردن نیازهای روانی، عاطفی اعضای خانواده: مطالعه‌های دامس،^۱ ۱۹۸۶ نشان می‌دهد که روزهایی که مادرها روابط اجتماعی ناخوشایندی را با دیگران دارند رفتارهای ناخوشایند بیشتری با فرزندان شان داشته‌اند. همچنین پژوهش ریتی و وود،^۲ ۱۹۹۶ نشان داده است که استرس‌های شغلی، الگوهای تعامل خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مادرانی که

^۱ لیلاداد زعفرانچی، اشتغال زنان (مجموعه مقالات و گفت و گوها)، چ اول، (قم، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری)، ص ۵۹

^۲ به نقل از حسین خوانساری، زینب رحمتی و سمیه رحمتی، "بررسی و مقایسه رضایتمندی زناشویی بین دیران زن شاغل نیمه وقت و تمام وقت"، نشریه انتخاب، آذر ۱۳۸۲، ص ۲۷۰

^۳ به نقل از همان

در محل کار، فشار کاری و استرس بین فردی داشته اند، علائم کناره گیری رفتاری و هیجانی را بیشتر نشان می دادند.

۸- عدم سرپرستی و نظارت مستقیم فرزندان در منزل، محله و مدرسه و غفلت از نیازهای آن ها: وقتی مادر دوش به دوش پدر بیرون از خانه باشد، بدیهی است که فرصت کافی و انرژی لازم برای نظارت بر امور درسی و نیز رفتارهای بیرون از منزل بچه ها را نداشته باشد. همین امر سبب غفلت از نیازهای فرزندان و یا بی توجهی به آن خواهد شد. نتایج پژوهش خوانساری و رحمتی (۱۳۸۲) نشان می دهد که نزدیک به ۲۰ درصد کودکانی که مادرانشان کار می کنند در ساعات قبل و بعد از مدرسه، سرپرستی ندارند.^۱

۹- پیامدهای نامطلوب اشتغال مادر بر رشد جسمانی و روانی فرزندان: پس از تولد نوزاد، مادر نخستین فرد خانواده است که با کودک خود تماس مستقیم دارد. در واقع زندگی کودک با ارتباط زیستی میان او و مادرش آغاز می شود. این ارتباط نه تنها در رفع نیازهای کودک مؤثر است، بلکه بر حالات روانی و عاطفی وی نیز تأثیر می گذارد. اصولاً رشد طبیعی و روانی کودک در درجه نخست، به وجود مادر وابسته است و تا مدتی طولانی، وی عمده ترین نقش را در زندگی بازی می کند.^۲ البته، در مورد میزان تأثیر اشتغال مادران شاغل بر رشد فرزندان و مقایسه آن با نقش مادران غیر شاغل، نباید از جنبه های دیگر غافل ماند و باید تمام عواملی را که احتمالاً در روند رشد تأثیر دارند، مشخص نمود. به عنوان مثال، مادر شاغلی را که شخصیت و صلاحیت او برای مادری در سطح مطلوبی است باید با مادر غیر شاغلی که دارای همین خصیصه است مقایسه کرد. بدون شک در بسیاری از موارد مادر غیر شاغل بهتر می تواند به نیازهای عاطفی، اجتماعی و شخصیتی کودک خود پاسخ دهد. برعکس، مادری که به دنبال چندین ساعت کار و تلاش در خارج از منزل، با حالتی خسته به منزل برمی گردد، نمی تواند بر انجام دادن این مهم، آن طور که شایسته است اقدام کند.^۳

^۱. باقرساروخانی، ص ۱۷۰

^۲. ناصر بی ریا؛ سید احمد رهنما، علی مصباح، روان شناس رشد ۲ با نگرش به منابع اسلامی، (تهران، سمت، ۱۳۸۵)، ص ۵۵۸

^۳. همان ص ۸۶

۱۰- کم میلی به بچه دار شدن یا اکتفا به فرزند کمتر: نتایج پژوهش باقری، ملتفت و شریفیان (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه دار در تعیین تعداد موالید نقش برجسته تر و تعیین کننده تر دارند. اخوی راد و حاتمی در پژوهشی نتیجه گیری کردند که اکثر افراد، اثر کار زن را بر میزان باروری تأیید می‌کنند که عامل آن کمبود وقت از جهت رسیدن به فرزند می‌باشد. لچنان که به وضوح در جامعه می‌بینیم خانواده هایی که زن و شوهر هر دو شاغلند اغلب تک فرزند یا دو فرزند هستند و گاهی فاصله سنی زیادی هم بین بچه ها ایجاد می‌کنند که آسیب های خودش را دارد.

۱۱- سستی روابط زناشویی از طریق استقلال مالی زنان: بسیاری از جامعه شناسان تفکیک کار و تقسیم نقش ها را اصلی مسلم برای حفظ کارآمدی اجتماع دانسته اند. ویلهلم هنریش ریل از بنیانگذاران جامعه شناسی خانواده در قرن نوزدهم معتقد است که زیر بنای جامعه در خانواده شکل می‌گیرد؛ حفظ اجتماع بسته به حفظ خانواده است؛ برای بقای خانواده تقسیم کار و تفکیک نقش ها ضرورتی بی بدیل است؛ و تقسیم نقش ها نظام سلسله مراتبی را می‌آفریند. از نگاه وی، باید اعضای خانواده نظام سلسله مراتبی را بپذیرند، و به پیروی از رهبری در خانواده را باید حمایت کرد. در نظریه وی که به (اصالت حق طبیعی) شهرت یافته است. طبیعت مرد به مدیریت و طبیعت زن به مدیریت پذیری متمایل است. پژوهش های جامعه شناسانه در کشورهای مختلف جهان، نشان داده اند که اشتغال زنان، تاثیر مهمی بر الگوی تفکیک نقش ها، وحدت و ساختار خانواده دارد. به اعتقاد کاستلز، مشارکت کامل زنان در مشاغل درآمد زا سهم اقتصادی زنان را در بودجه خانواده با اهمیت می‌سازد، و به همین دلیل قدرت چانه زنی زنان در خانواده را به طور چشمگیری افزایش می‌دهد. در این فرض، زنان می‌توانند بدون واهمه از واکنش های تند درباره نکات مورد اختلاف بحث و امتیاز گیری کنند. ساختار عمومی خانواده را به چالش بکشند. زنان رفته رفته به این باور می‌رسند که همچون همسرانشان ساعت ها بیرون

۱. معصومه باقری، حسین ملتفت و هدایت شریفیان، "بررسی تاثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده"، فصلنامه خانواده پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۸، ص ۲۵۹

۲. خوانش انتقادی اشتغال زنان (گفت و گو با دکتر سید محمد صادق مهدوی)، حوراء (نشریه داخلی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان)، ش ۸، آذر ۱۳۸۳، ص ۱۴. جامعه شناسان دیگری چون لوبه، مالدینوسفکی، برناردز، اوربو، گهلن، کویننگ و هومستر عقاید مشابهی دارند.

از خانه اند و هر دو در تامین بودجه خانواده سهیم اند چرا شوهران در فعالیت های خانگی مشارکت یکسان نداشته باشند، و این پرسش با افزایش مشارکت هم زمان مسولیت شغلی و خانه داری و پرورش کودکان و اداره امور شوهرانشان روز به روز جدی تر می شود. آنان نتیجه می گیرند که شوهران و پدرانشان از آنان بهره برداری کرده اند.^۱ پژوهش باقری، ملتفت و شریفیان^۲ بر روی ۲۰۰ زن متأهل خانه دار و ۱۰۰ زن متأهل شاغل، نشان داد که زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل در مسایلی مانند تصمیم گیری اقتصادی، تصمیم گیری در مورد تربیت فرزندان، تعداد فرزندان و آزادی انتخاب در مسایل مربوط به مشارکت و رفتارهای سیاسی از قدرت بیشتری برخوردار بودند.^۳

۱۲- مشکلات تغذیه در خانواده: حضور کم رنگ و نداشتن فرصت کافی برای پخت و پز و استفاده بیش از حد از غذاهای آماده و گاه ناسالم، مشکلاتی را در تغذیه و رشد جسمانی اعضای خانواده به وجود می آورد بر اساس گفته برخی از کارشناسان، بخش قابل توجهی از بیماری های جسمی و حتی روحی و روانی در اثر عادت های بد غذایی خانواده، نحوه پخت غذاها، استفاده از خوراکی های بسته بندی شده و فریزری، اضطراب و شتاب در حین غذا خوردن و... می باشد و این مسایل در خانواده هایی که زن و مرد هر دو شاغلند بیشتر به چشم می خورد. با آمدن وسایل پیشرفته خوراک پزی، کار تهیه غذا برای بسیاری از بانوان آسان شده و آن ها می توانند در زمان کوتاهی غذاهای مورد نظر خود را تهیه نمایند. به گفته برخی کارشناسان، تعدادی از این وسایل با ایجاد فعل و انفعال های شیمیایی بر روی غذا، می تواند تأثیر زیانباری بر جسم فرد بگذارد. به عنوان نمونه به پیامدهای زیانبار استفاده از مایکرو ویو که استفاده از آن متداول شده، اشاره می شود: «پرتوهای مایکرو ویو با مولکول های موجود در غذا تعامل و واکنش بر قرار می کند مثلاً گرم کردن شیر با آن باعث تغییرهایی در ویتامین های شیر می شود. از طرفی اسیدهای آمینه ترانس شیر، به ایزومرهای سیس تبدیل می شود که از نظر زیستی فعال نمی باشند و از سوی دیگر برای سیستم عصبی سمی می باشد و نیز می توانند برای

^۱. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه حسن چاوشیان، چ سوم، (تهران، انتشارات طرح تو، ۱۳۸۱)، جلد دوم، ص ۲۱۶-۲۱۷

^۲. معصومه باقری و دیگران، ص ۲۵۹

^۳. شهلا باقری، "اشتغال زن در ایران؛ بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی تأثیر گذار"، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۸، پاییز ۱۳۸۵، ص ۲۲۴

کلیه های کودک آسیب برساند؛ به عنوان نمونه، یک مرتبه در او کلاهای آمیکا کیسه خون را با میکرو ویو گرم کرده به بیماری تزریق کردند که باعث مرگ بیمار شد. در اجاق میکرو ویو از جریان متناوب برق استفاده می شود که باعث ایجاد اسید آمینه های غیر طبیعی شده و استفاده مکرر از آن موجب کاهش هموگلوبین خون و افزایش گلبول های سفید و کلسترول خون و در نهایت سرطان خون می شود. ویتامین های B، C، E املاح ضروری و فاکتورهای لیپوتروپیک تمام مواد غذایی کاهش قابل توجهی داشته و در کل ارزش غذایی آن ها کم می شود».

۱۳- احساس گناه و ناکارآمدی: مهم ترین احساس منفی مادران شاغل است که به علت نگرانی از عدم حضور در کنار فرزندش ایجاد می شود. زنان شاغل به اقتضای شغلی که دارند زمانی را صرف انجام شغل مورد نظر می کنند و این زمان گاهی برابر است با صرف نظر کردن از بودن در کنار اعضای خانواده همچون شوهر و فرزند. زمانی که مادر شاغل به اقتضای نبودن در خانه فرزند خود را به آشنایان یا مهد کودک می سپارد دوری از فرزند و اینکه چه اتفاقاتی در غیاب وی برای فرزندش ممکن است پیش بیاید علاوه بر ایجاد استرس، حس گناه بر مادر را القا میکند چرا که همه زنان در فطرت وجودی خود مادری را جز لاینفک خود می دانند. همچنین در مورد همسر خود نیز این به گونه ی دیگر وجود دارد. زنانی که همچون مردان و گاهی بیشتر از آنان زمان خود را برای کار اختصاص می دهند در هنگام بازگشت به خانه دیگر آن شادابی و انرژی لازم را در برخورد با همسر که همین شرایط را دارد، ندارند؛ و در نتیجه این حس نیز به آنان القا می شود که از عهده وظیفه همسری خود به طور شایسته بر نمی آیند.

۱۴- محدودیت ارتباط با اقوام و خویشاوندان: از جمله مشکلات زنان شاغل، رفت و آمد و ارتباط با بستگان و دوستان می باشد زن و شوهر شاغل در مقایسه با خانواده های سنتی، وقت کمتری برای گذراندن با دیگران دارند و همین امر باعث انزوای اعضای خانواده می شود. آنان زمان کمتری برای خودشان، فرزندان و والدین شان صرف می کنند. نکته دیگری که کانون توجه شماری از پژوهشگران قرار گرفته، تاثیر تفاوت ساعات کار زن و مرد، مثلاً در فرض نوبت کاری یکی از آن دو، بر فعالیت های مشترک خانوادگی و روابط اعضای خانه

است، که سبب می شود روند عادی زندگی روزانه همراه با صرف غذای دسته جمعی فرزندان با والدین، دور هم بودن و هم صحبتی کاهش یابد. افزون بر این با کم شدن فرصت پذیرایی و شرکت در فعالیت های اجتماعی، معاشرت های اعضای خانواده گسترده کمتر می شود، و انزوا، احساس محرومیت و افسردگی در زوج و فرزندان افزایش می یابد.^۲

۱۵-دوگانگی در تربیت فرزندان: در طول زمان حضور در محل کار، مادر مجبور است فرزند یا فرزندان خود را به مهد کودک بسپارد و یا نزد افراد دیگری از فامیل مثل خواهر یا مادر بزرگ بگذارد. بی تردید ایده ها و الگوهای تربیتی مادر با ایده ها و روش های تربیتی مربیان مهدها و دیگران متفاوت خواهد بود و فرزندان با حالتی دو گانه در رفتار و افکار و ارزش ها رشد خواهند نمود.

۱۶-اشکال در ایفای نقش های جنسیتی فرزندان: اشتغال مادر ممکن است نقش و جایگاه پدر را در بین فرزندان پسر مخدوش کند چنان که در بحث استقلال مالی اشاره شد، درآمد خانم، اگر با عدم تفاهم زناشویی همراه باشد باعث کم اهمیتی و کم رنگی تلاش های پدر در زندگی می شود. فرزندان چون حالا می توانند بخشی از نیازهای مالی خود را از طریق مادر برطرف نمایند، بنابراین ممکن است نقش پدر را در منزل نادیده گرفته و از کمک ها و راهنمایی های وی خود را بی نیاز بدانند و به مرور زمان، پدر در انزوا قرار گیرد.^۳ تأکید مادر شاغل بر استقلال، ممکن است به ضرر فرزندان پسر تمام شود؛ برای مثال، مادران کارگر ممکن است نقش و جایگاه پدر را در نزد فرزندان پسر کم رنگ کنند. بررسی ها نشان داده است که پدران بیش از مادران در یادگیری نقش جنسی کودکان مؤثرند. مادران به ویژه در دوران قبل از بلوغ تفاوت کمتری را بین رفتار دو جنس قائل می شوند، در حالی که پدران برای کودکان خردسال خود حتی از دو سالگی نقش های جنسی متفاوتی در نظر می گیرند. پدران هم در رشد جنسی پسران و هم در رشد نقش جنسی دختران می توانند تأثیر بسزایی بگذارند. در خانواده

^۱ هایدی روزن باوم، خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه ی محمد صادق مهدوی، (خراسان جنوبی، مرکز نشر

دانشگاهی، ۱۳۶۷)، ص ۱۳۰

^۲ ر.ک: بتول موسوی، ص ۷۷

^۳ جان کارلسون و دیگران، ص ۶۶

هایی که نقش پدر انفعالی است و مادر شخصیت غالب و مسلطی دارد، در همانندسازی پسران از نظر نقش جنسی، آثار سوئی برجای می‌ماند. همچنین گاهی اشتغال طولانی مدت مادر سبب می‌شود که فرزندان دختر از یک الگوی جنسیتی مناسب محروم شوند و در ایفای نقش جنسیتی خود با مشکلاتی روبه‌رو شوند با توجه به تمایز دختر از پسر از لحاظ جسمانی، روانی و کارکردی (تفاوت در انجام وظایف) که در جای خود بحث و به اثبات رسیده است، کارشناسان معتقدند که تربیت باید دو جنسی باشد. در همین راستا، تربیت دختر متفاوت از تربیت پسر خواهد بود. ضمن این که در کلیات تربیت و آنچه که مربوط به انسانیت انسان می‌شود این دو شریک‌اند. آگاهی کودک از نقش جنس خود که به صورت ایفای نقش پدر (در مورد پسر) و نقش مادر (در مورد دختر) که در بازی‌های کودکان این گروه سنی ظاهر می‌شود، بستگی زیادی به ارتباط کودک با بزرگسالان دارد. هرچه محبت و صمیمیت پدر یا مادر نسبت به کودک بیشتر باشد، زمینه همانندسازی مناسب با والدین نیز بیشتر خواهد بود.^۳

ج: پیامد های اجتماعی

۱- آسیب پذیری زنان شاغل در محیط های کاری مختلط: آزار جنسی در محیط کار یکی از مهم ترین مشکلاتی است که زنان شاغل در بسیاری از جوامع، از آن رنج می‌برند. راکشل، روان شناس آمریکایی در سال ۱۹۹۵ نشانه های هشدار دهنده ی مزاحمت جنسی را این گونه تعریف می‌کند: "هر نوع رفتار ناخواسته که ماهیت جنسی داشته باشد." مزاحمت های جنسی حیطه ی وسیعی از رفتارهای ناخوشایند را در بر می‌گیرد که اگر بخواهیم جزئی تر به آن بپردازیم می‌توانیم آن را به سطوح مختلف کلامی، غیر کلامی و جسمی تقسیم کنیم.^۴

سطح کلامی: گفتن ماجراها و شوخی ها و طنز های جنسی، پرسیدن سوالاتی در مورد زندگی شخص یا جنسی فرد، کنایه های جنسی در گفتار، اظهار نظر در مورد ظاهر و پوشش فرد، دادن

۱. سیف و دیگران، روانشناسی رشد ۱، (تهران، سمت، ۱۳۸۱)، ص ۲۹۲

۲. علی قائمی امیری، زنان، کارکردهای مدیریتی، تداخل نقش ها، (تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۶)، ص ۳۹

۳. سوسن سیف و دیگران، ص ۲۱۶

۴. سهیلا صادقی فسایی و مهسا رجب لاریجانی، مطالعه ی جامعه شناختی آزار جنسی در محیط کار، زن در توسعه و سیاست (پژوهش

زنان)، دوره ۸، شماره ۳، ۱۳۸۹، صص ۱۱۱-۱۳۴

پیشنهاد یا دعوت جنسی ناخواسته، درخواست مکرر برای قرار ملاقات یا رابطه خارج از محیط کار

سطح غیر کلامی: نشان دادن تصاویر جنسی نامناسب جنسی، چشم چرانی، چشمک زدن، فرستادن نامه، یادداشت و پیام الکترونیکی یا تصاویر جنسی

سطح جسمی: لمس کردن ناجور و نامناسب، نوازش کردن، سر راه شخص ایستادن و مانع عبور او شدن، برخورد جنسی به زور.

با توجه به آمار و ارقام موجود و میزان بالای شکایت ها در این زمینه، می توان گفت که در محیط کار نسبت به محیط های دیگر، مزاحمت جنسی بیشتر از همه جا اتفاق می افتد. اصولا در هر کجا که امکان رابطه دو انسان مخصوصا از دو جنس مخالف به صورت منظم و پیوسته تداوم داشته باشد، امکان وقوع بعضی رویدادها از جمله مزاحمت جنسی وجود دارد.

کمیسیون فرصت های برابر شغلی در آمریکا تعریفی از مزاحمت جنسی در محیط کار ارائه داده که به شرح زیر است: "پیشروی جنسی ناخوشایند، درخواست برای توجه جنسی و دیگر برخوردهای کلامی یا جسمی از نوع جنسی که شاید برای فرد فرصتی مانند ارتقای شغلی را فراهم کند یا در برگیرنده تهدیدی برای از دست دادن شغل باشد." همان طور که از این تعریف نیز استنباط می شود، در محیط کار مزاحمت جنسی در ازای چیزی (نوع اول) بیشتر دیده می شود. بنابراین در اغلب مشاغلی که نظام سلطه مراتبی وجود دارد و شرایط فرادستی و فرودستی حاکم است، امکان ایجاد مزاحمت جنسی نیز به مراتب افزایش می یابد. البته نوع دوم مزاحمت جنسی (مزاحمت جنسی در محیط نامناسب) در بعضی مواقع که افراد با یکدیگر هم رتبه هستند هم رخ می دهد؛ اما مزاحمت جنسی از نوع اول در محیط کار بیشتر به چشم می خورد. در این نوع مزاحمت، پذیرفتن پیشنهاد از سوی قربانی، منافع و ترفیع موقعیت شغلی را در پی دارد و عدم پذیرش این درخواست منجر به حذف امتیازات، جریمه یا حتی اخراج از کار می شود و همانطور که قبلا نیز توضیح داده شد، این ممانعت تأثیر مستقیمی بر وضعیت کاری و حرفهای قربانی دارد. در واقع، در این نوع از مزاحمت، فرد دارای قدرت و برتری، از نفوذ و اقتدار خود در جهت نیل به اهداف غیر معقولش سوء استفاده می کند و قربانی در اکثر مواقع، به خاطر از دست

ندادن شغل یا مرتبه خود، مجبور به پذیرش چنین پیشنهادهایی می‌شود. در مزاحمت از نوع محیط نامناسب، فرد قربانی از نظر روحی و روانی دچار آشفتگی و ناراحتی می‌شود و در صورت ادامه داشتن چنین درخواست‌هایی در انجام وظایفش اختلال ایجاد می‌شود و شاید این موضوع سبب کناره‌گیری او از محیط کار شود. بر طبق برآوردها، در انگلستان از هر ده زن، هفت زن در دوره شغلی خود به مدتی طولانی دچار آزار جنسی می‌گردند. مطالعات نشان می‌دهد که نیمی از زنان در کشورهای صنعتی مورد آزار و اذیت‌های جنسی قرار می‌گیرند. آزار جنسی منجر به احساس درماندگی، نداشتن عزت نفس، تشویش، افسردگی، ارتباط ضعیف با همکاران و کاهش اشتیاق به انجام کار می‌گردد. چه بسیار روابط ناسالم و ضد اخلاقی که از افراد در محیط‌های کاری گزارش می‌شود و چه بسا زنان سالم و متدینی که به مرور زمان از عفت و نجابتشان کاسته می‌شود. حداقل آسیبی که گریزی از آن نیست برجسته شدن روحیه مردانه در این زنان است. به خصوص اگر کار از لحاظ جسمانی انرژی زیادی بطلبد یا محیط به گونه‌ای باشد که مرد و زن نامحرم، زیاد در ارتباط و تعامل با هم باشند. آثار منفی این روحیه بیشتر در منزل و در رفتار با همسر و فرزندان ظاهر می‌شود. جایی که عاطفه و احساس لطیف زنانه و مادرانه حرف اول را باید بزنند، با سرسختی، تندی، بی‌حوصلگی، خستگی، عمل‌گرایی و... مواجه می‌شویم و در مرحله بعدی اجتماع متضرر می‌گردد و به نوعی تاوان آن را اجتماع نیز باز پس می‌دهد.

۲- افزایش بیکاری در مردان: از جمله پیامدهای آشکار روی آوردن زنان به اشتغال، بی‌کاری مردان است، جذب زنان به بازار کار، قناعت به دستمزدهای کم، سر به زیری و حرف شنوی و... سبب می‌شود که شرکت‌ها و مراکز کاری بیشتر از نیروی زن استفاده نمایند و در این میان، یا باید مردان نیز با همان دستمزد پایین کار کنند که معمولاً کفاف مخارج زندگی‌شان را نمی‌کند و یا از کار کردن در آن محل منصرف شده دنبال کار دیگری باشند و این مشکل روز به روز بیشتر خودش را نشان می‌دهد و یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های کارشناسان می‌باشد.

نتیجه گیری

در جامعه و در شرایطی که نرخ بالای بیکاری دشواری های فراوانی را برای جامعه و خانواده ها فراهم ساخته و در حالی که در نظام حقوقی ما که کاملاً نیز درست است، مرد مسئولیت تأمین مخارج زندگی را دارد، طبعاً اولویت با اشتغال مردان و تلاش برای کاهش خیل بیکاران مرد است. شغل انتخابی به شان و شخصیت وجودی زن بیافزاید نه اینکه متانت وی را مورد خدشه قرار دهد. از آن جایی که زنان بسیار حساس و در معرض خطر هستند توجه به این نکته ضروری است که محیط های کاری نیز باید به تناسب نیرویی که در آن به کار گرفته می شوند نیازمند ویژگی هایی هستند، از جمله در مورد زنان محیط های کاری ایجاد شود که بتوانند به راحتی و با کمترین اختلاطی با مردان (آن هم فقط در شرایط اضطراری) با فراغت کامل به کار خود بپردازند. متانت زن باید در محیط کار حفظ شود. ارتباطات اجتماعی که در بعضی از فضاهای کاری وجود دارد، متانت زن را از او می گیرد و زن در دایره ای ارتباطات غلط قرار می دهد. عدم توجه به این مسئله پیامد های منفی بسیاری را در بر دارد مانند فراهم آمدن زمینه گناه و اختلاط بیش از حد مردان و زنان، که اسلام به شدت مخالف اختلاط و آمیختگی روابط زن و مرد است. در نهایت باید گفت با توجه به اینه جمعیت جوان در کشور ما رو به کاهش است و این مساله تبعات سنگینی را به کشور تحمیل می کند زنان باید به نقش خطیر خود در جامعه بیانندیشند و رسالت خود را در مورد الگوی هویتی خود که انسان سازی است فارق از اندیشه ها و تزیینات فکری غربی که زن را وسیله ای در خدمت سرمایه داران یا ملعبه دست افراد بی بند و بار و یا به عنوان یک کالای تجاری می دانند و با شعار فریبده آزادی و تساوی حقوق زن سعی می کنند او را به استثمار بکشند، به نحو احسن انجام دهند. همان طور که بیان شد اشتغال زنان دارای پیامدهای مثبت و منفی بسیاری است. با توجه به مطالب بیان شده در این مقاله علمی پیامد های منفی و آسیب های موجود در راه اشتغال زنان نمی تواند بهانه ی باشد که همه زنان جامعه را خانه نشین کرد و از نیروی کاری نیمی از جمعیت صرف نظر نمود. زنان در صورتی که از ظرفیت های آشکار و نهان خود استفاده کنند علاوه بر تعالی خود و خانواده به پیشرفت و توسعه کشور نیز کمک شایانی خواهند کرد. اشتغال حق طبیعی و تکوینی و اجتماعی و اقتصادی مسلم زن است نه وظیفه ی او؛ اما وقتی تبدیل به حق شد انسان می تواند نسبت به آن، حق انتخاب داشته باشد. مثلاً اگر این حق او مانع از احقاق بعضی حقوق دیگر یا انجام برخی وظایفش شد، می تواند

کم و زیادش کند اما وقتی تبدیل به وظیفه شد حتماً باید آن را انجام بدهد. وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی مانند مادری و همسری وظیفه‌ی زن است در صورتی که اشتغال به کار در بیرون از خانه از موارد انتخابی است که زنان با توجه به ویژگی‌های خود، شرایطی که در خانواده و جامعه دارند، می‌توانند با رعایت بسیاری از اصول برگزینند. مهم‌ترین مساله رعایت حقوق فرزند و همسر است که نباید در تراحم با شاغل بودن زنان باشد و نادیده گرفته شود. آنچه که آسیب‌پذیری زن را در مقابلات تهاجمات بی‌امان فرهنگی افزایش می‌دهد، تزلزل خانواده و نادیده انگاشتن نقش این نهاد مهم اجتماعی و مهم‌تر از آن، کمرنگ کردن نقش محوری مادر در کانون خانواده است. در آموزه‌های دینی بیشترین تاکید بر شوهر داری، خانه داری و تدبیر منزل شده و نیز تاکید شده تا محیطی سالم فراهم شود تا زنان بتوانند با ارتقای سطح علمی - فرهنگی خود به مساله مادری و همسری پردازند که از مقدس‌ترین کارها محسوب می‌شود. توجه به ویژگی فردی و استعداد های نهفته موجود در هر شخص شرط بعدی انتخاب شغل است یک زن با توجه به علاقه و ظرفیتهایی که در خود دارد با حفظ لطافت زنانگی، کاری را انتخاب کند که تمام وقت و انرژی او را نگیرد. شغل انتخابی وی باید مورد نیاز جامعه امروزی باشد. برای زنان فعالیت‌هایی در نظر گرفته شود که در آنها مؤثرتر، کارآمدتر و موفق‌تر باشند زیرا امروزه با این روند حضور زنان در عرصه اشتغال نه تنها برابری و عدالت در مورد زنان تحقق پیدا نکرده است بلکه زمینه استثمار مضاعف را نیز فراهم آورده است.

منابع و مآخذ

- ۱- آقا جانی، نصرالله. تکرر خشونت در آزارهای خیابانی. فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۳، سال (۱۳۸۳)
- ۲- ابوت، پاملا؛ والاس، کلر. جامعه‌شناسی زنان. ترجمه ی منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم، (۱۳۸۰)
- ۳- ابیراهمسن، دیوید. روان‌شناس کیفری. ترجمه پرویز صانعی، تهران: انتشارات دانشگاه ملی، (۱۳۵۵)
- ۴- اتکینسون، ریتا ال؛ اتکینسون، ریچارد اس و هیلگارد، ارنست آر. زمینه روانشناسی هیلگارد. جلد دوم، ترجمه محمد تقی براهنی و دیگران، تهران: انتشارات رشد، چاپ بیست و دوم، (۱۳۸۴)
- ۵- احمدی، حبیب. جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: سمت، (۱۳۸۴)
- ۶- اردبیلی، محمد علی. حقوق جزای عمومی. تهران: میزان، چاپ هشتم، (۱۳۸۴)
- ۷- ازکمپ، استوارت. روان‌شناسی اجتماعی کاربردی. ترجمه ی فرهاد ماهر، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، (۱۳۶۹)
- ۸- استادان طرح جامع آموزش خانواده، خانواده و فرزندان در دوره پیش دبستان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، (۱۳۸۶)
- ۹- اعزازی، شهلا. جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: روشنگران و مطالعات زنان، چ اول، (۱۳۷۶)
- ۱۰- انصاریان، حسین. "نظام خانواده در اسلام". قم، انتشارات ام ابیها، تابستان ۱۳۷۹، ص ۳۸۳
- ۱۱- بارکر، فیلیپ. خانواده درمانی پایه. ترجمه ی محسن دهقانی و زهره دهقانی، تهران: رشد، (۱۳۷۵)

- ۱۲- بارون کوهن، سیمون. زن چیست؟ مرد کیست؟. ترجمه گیسو ناصری، تهران: پل، (۱۳۸۴)
- ۱۳- باقری، شهلا. "اشتغال زن در ایران؛ بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی تاثیر گذار". فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۸، پاییز ۱۳۸۵، ص ۲۲۴
- ۱۴- باقری، معصومه؛ ملتفت، حسین و شریفیان، هدایت. بررسی تاثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده، فصلنامه خانواده پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۸، ص ۲۵۹.
- ۱۵- باهری، محمد و داور، میرزا علی اکبر خان. نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: مجد، چاپ دوم، (۱۳۸۴)
- ۱۶- بستان نجفی، حسین. اسلام و جامعه شناسی خانواده. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، (۱۳۸۳)
- ۱۷- _____ . نابرابری جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۸)
- ۱۸- بگلی، شارون. "چرا مردان و زنان متفاوت فکر می کنند". ترجمه مرسله سمیعی، جامعه سالم، ش ۲۱، ۱۳۷۴
- ۱۹- بنی جمالی، فاطمه. ۱۳۹۳/۲/۲، اشتغال زنان در گذر تاریخ ایران ۱، انتشار برهان، <http://www.borhan.ir>
- ۲۰- بهزادپور، سیمیندخت. زن در توسعه مفاهیم اسلامی. تهران: خرداد، چ اول (۱۳۷۸)
- ۲۱- بهشتی، احمد. اسلام و حقوق کودک. چ چهارم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، (۱۳۸۰)
- ۲۲- بهمنی، اصغر. دانستنی‌هایی برای مادران. قم: سعید نوین، (۱۳۸۶)

۲۳- بهنام، جمشید تحولات خانواده. ترجمه ی محمد جعفر پوینده، چ سوم، تهران: نشر ماهی، (۱۳۹۲)

۲۴- بی ریا، ناصر؛ رهنما، سید احمد و مصباح، علی. روان شناس رشد ۲ با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت، چاپ چهارم، (۱۳۸۵)

۲۵- پیره، روژه. روانشناسی اختلافی زن و مرد. ترجمه حسین سروری، تهران: جانزاده، (۱۳۷۷)

۲۶- پیز، الن و پیز، باربارا. چرا مردان به حرف زنان گوش نمی دهند و چرا زنان زیاد حرف می زنند و بد پارک می کنند.... ترجمه محسن جده دوست و آذر محمودی، تهران: نشر اشاره، (۱۳۸۳)

۲۷- جمشیدی، اسدالله؛ عزیزی کیا، غلامرضا؛ زارع؛ جستاری، حسن. در هستی شناسی زن. چ ۳، تهران: موسسه آموزشی و پرورش امام خمینی، (۱۳۸۳)

۲۸- جمشیدی، فخری. مقاله ضرورت اجتماعی اشتغال زنان. نشریه کار و جامعه، ش ۴۶ آذر (۱۳۸۱)

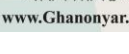
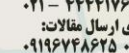
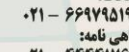
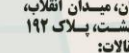
۲۹- جمعی از نویسندگان. کتاب زن. تهران: امیر کبیر، (۱۳۸۱)

۳۰- جمعی از نویسندگان. حقوق و مسئولیت های زن در نظام اسلامی. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، (۱۳۸۵)

۳۱- حاتمی، محمد. استرس مادران شاغل، تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، (۱۳۸۲)

۳۲- حجازی، قدسیه. جرائم زن در ایران. تهران: شرمث انتشار، (۱۳۴۱)

۳۳- حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه. قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، (۱۳۸۷)



موسسه قانون یار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه های داخلی و خارج از کشور همچون مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir (دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان)
(موسسه بین المللی icsi world of journals/ورشو/لهستان)
(انجمن علمی بین المللی citefactor/فینیکس/آریزونا)
برگزار می کند:



همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش های اجتماعی

۱۳ خرداد ۱۴۰۰ - تهران

محورها و همایش:

- * مقالات در گرایش های حقوق خصوصی، حقوق جزا، حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و ...
- * مقالات در گرایش های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش های ارسال مقالات به همایش:

- * ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com
- * ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲



تقویت رزومه داوطلبان آزمون دکتری اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دیرخانه: تهران، میدان انقلاب،
خیابان اردیبهشت، پلاک ۱۹۲
واحد پذیرش مقالات:
۰۲۱ - ۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶

واحد صدور گواهی نامه:
۰۲۱ - ۴۴۴۴۱۷۶۴ و ۸۴

مشاور و راهنمای ارسال مقالات:
۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ و ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

www.Ghanonyar.ir www.Olomensani.ir

به ده مقاله برتر و برگزیده همایش، ده تندیس به همراه تندیرنامه مخصوص اعطا می گردد.
به مقالات اورسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می گردد.
تمامی مقالات همایش در پایگاه ها و سایت های ملی و بین المللی نمایه و درج می گردند.
داوری مقالات حداکثر سه روز می باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می شود.